

نخبگان سیاسی، کارکرد فرهنگی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمد صالح حسین زاده^۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۰۸

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۱۲

چکیده

نخبگان سیاسی از دیرباز تاکنون نقش مهمی در تحولات جوامع در ابعاد مختلف (به ویژه مسئله امنیت) داشته و دارند. تجربه‌های تاریخی نشان داده است که ترقی و تعالی یا سقوط و فروپاشی هر مملکتی تا حدود زیادی به نقش نخبگان سیاسی وابسته است و اندیشه و تفکر آنها در اجرای برنامه‌های سیاسی و اجتماعی و چگونگی تحقق خواسته‌های مردم، تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز است. تأمین امنیت ملی از اولویت‌های نظام اسلامی در سیاست‌گذاری ملی و منطقه‌ای محسوب می‌شود. از جمله شاخص‌های تأمین امنیت ملی، می‌توان به استقلال سیاسی، حفظ تمامیت ارضی، ثبات سیاسی، انسجام اجتماعی و رفاه اقتصادی اشاره کرد. سؤال اصلی ما در این تحقیق ناظر به نقش و کارکرد فرهنگی نخبگان سیاسی در ارتقای امنیت ملی است. چارچوب نظری مورد توجه این تحقیق، دیدگاه‌های امنیتی مکتب کپنهاک و خاصه باری بوزان در خصوص امنیت ملی (توجه به ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی، زیست‌محیطی) است. روش این تحقیق، تلفیقی از روش کمی و کیفی متوالی می‌باشد. روایی پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت و پایایی گویه‌ها نیز از طریق آلفای کرونباخ (۰/۹۹۵) مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. جامعه آماری این تحقیق شامل مسئولان، اساتید و کارشناسان مرتبط با حوزه‌های امنیت ملی است و نمونه مورد مطالعه که به صورت هدف‌مند انتخاب شده است، شامل ۸۱ نفر از اساتید، مسئولان و کارشناسان مرتبط با حوزه‌های امنیت ملی بوده که هم اطلاعات کافی در خصوص این تحقیق داشته‌اند و هم حاضر به همکاری و پرمودن پرسشنامه بوده‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که بین وضعیت موجود عملکرد نخبگان با انتظارات جامعه از آنها (وضعیت مطلوب) تفاوت معنی‌داری در حوزه‌های مورد اشاره وجود دارد.

کلید واژه‌ها

نخبه؛ نخبه‌گرایی؛ نخبگان سیاسی؛ نخبگان قدرت؛ امنیت؛ امنیت ملی

مقدمه

نخبگان سیاسی^۱ از دیرباز تاکنون نقش مهمی در تحولات جوامع در ابعاد مختلف (به‌ویژه مسئله امنیت) داشته و دارند. ازسوی دیگر، آنچه در سعادت جامعه نقش اساسی دارد، شایستگی و جامع‌الشرایط بودن مدیران و کارگزاران آن جامعه است. تجربه‌های تاریخی نشان داده است که ترقی و تعالی یا سقوط و فروپاشی هر مملکتی تا حدود زیادی به نقش نخبگان سیاسی وابسته است و اندیشه و تفکر آنها در اجرای برنامه‌های سیاسی و اجتماعی و چگونگی تحقق خواسته‌های مردم تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز است. در واقع، نخبگان سیاسی به‌خاطر قدرت تأثیرگذاری بر ساختار و عملکرد کل نظام سیاسی، با هیچ‌یک از پاره‌نظام‌های سیاسی و اجتماعی قابل مقایسه نیستند و به‌همین دلیل است که محور اصلی بحث‌های علمای علوم اجتماعی در چهل سال اخیر را گروه نخبه سیاسی و ساختار عملکرد آنها تشکیل می‌دهد.

در تاریخ حیات بشر، امنیت همواره از ضروری‌ترین نیازهای وی بوده و اساسی‌ترین هدف حیات جوامع بشری به‌شمار می‌رود. شاید انسان اولیه، آنگاه که از حیوانات وحشی گریخت و برای حفاظت خود و کاهش خطراتی که حیات او را تهدید می‌نمود، به غارها پناه برد و یا آنگاه که به دور اقامتگاه خود حصار کشید تا از ورود حیوانات وحشی و انسان‌های بیگانه جلوگیری نماید؛ این امر را از روی غریزه انجام داد و بدین‌سان ناخواسته سنگ‌بنای یکی از پیچیده‌ترین مباحث امروزی یعنی امنیت را پایه‌ریزی نمود. برای جوامع ابتدایی امنیت، مفهومی توسعه‌نیافته بود و فقط به صیانت از خود محدود می‌شد. با پیدایش مفهوم دولت - ملت^۲ در اروپا (از قرن هفدهم میلادی به بعد) برداشت جدید از دولت رایج شد و مفهوم ملت پدید آمد. به‌این ترتیب مسئله امنیت نیز اهمیت خاصی یافته و به‌تدریج محافل علمی به بررسی این مسئله پرداختند. اما تا اواسط قرن بیستم امنیت از دیدگاه نظامی (به‌اصطلاح امروزی آن از دیدگاه رئالیستی) نگریسته می‌شد و تفکر هابزی (جنگ همه علیه همه) در مطالعات امنیتی رواج داشت. به‌طوری‌که ذات انسان به‌عنوان یک موجود شریر تلقی شده و قدرت نظامی تنها وسیله کسب و حفظ امنیت به‌شمار می‌رفت. بعد از جنگ جهانی دوم امنیت به‌علت تغییر

1. Political elite
2. Nation - State

ژرف در زمینه‌های روابط بین‌الملل و فرایندهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در جهت تغییر بنیادی سیر نمود. در دوران پس از جنگ، رفته‌رفته عوامل دیگری مانند اقتصاد، اطلاعات و... در نظام بین‌المللی مطرح شد که تحولی در مفهوم امنیت ایجاد نمود.

در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تحول بزرگ و شگرفی به‌وقوع پیوست که به‌واسطه ماهیت اسلامی‌بودن، نظامی براساس تعالیم و آموزه‌های الهی در آن شکل گرفت و این امر کل ساختار اجتماعی و سیاسی کشور را تغییر داد و البته نه‌تنها موجب تحول در ساختار درونی کشور، بلکه تغییرات زیادی در کشورهای دیگر ایجاد کرد. در این میان، آنچه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده و هست روی‌کارآمدن و نقش مهم نخبگانی است که بتوانند این نظام شکل‌گرفته را براساس اهدافش به پیش ببرند.

تأمین امنیت ملی^۱ از اولویت‌های نظام اسلامی در سیاست‌گذاری ملی و منطقه‌ای محسوب می‌شود، از جمله شاخص‌های تأمین امنیت ملی، می‌توان به استقلال سیاسی^۲، حفظ تمامیت ارضی، ثبات سیاسی^۳، انسجام اجتماعی و رفاه اقتصادی اشاره کرد. امنیت ملی به الزاماتی اشاره می‌کند که بقای دولت ملی را از طریق به‌کارگیری توان سیاسی، ارتش و... حفظ نماید. امنیت ملی درصدد رسیدن به درجات قابل‌اتکایی از امنیت در سطح ملی و بین‌المللی است. از این منظر، کشوری از امنیت پایدار برخوردار است که نه‌فقط در کوتاه‌مدت، بلکه در فرایندی بلندمدت، توانایی پاسخگویی به نیازهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در عرصه داخلی را داشته و در عرصه خارجی نیز از جایگاهی مناسب برخوردار بوده و با کوچک‌ترین تنش، بنیان‌های آن به لرزه نیفتد. سطح تحلیل امنیت ملی نه‌فقط فرد و دولت، بلکه نظامی برآمده از تعامل افراد و گروه‌هاست. در امنیت ملی سخن از بقا و بالندگی هویت فردی، گروهی و حتی ملی است (نصری، ۳۱۷: ۱۳۸۴).

این سخن که امنیت امروزه بیش از هر زمان دیگری مبهم، نارسا، ماهیتاً جدال‌برانگیز، متباین، غیرتوسعه‌یافته و متناقض است، بدون‌شک ریشه در تحرک، سیلان و بی‌نظمی

1. National Security
2. Political independence
3. Political stability

روندهای جهانی دارد. دو چارچوب اساسی برای توصیف امنیت ملی در فرایند جهانی شدن وجود دارد. چارچوب درونی که حاکمیت دولت در آن مورد سؤال قرار می‌گیرد و چارچوب بیرونی که استقلال دولت‌ها در مقابل وابستگی متقابل جهانی به چالش طلبیده می‌شود. از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون به دلیل عدم ایفای نقش فرهنگی مؤثر نخبگان سیاسی در کشور، شاهد آسیب‌ها و تهدیدات متعددی (مانند جنگ، فتنه و آشوب، تحریم، تهدید و ارباب، ایجاد تفرقه مذهبی، فساد اخلاقی و مالی، تضاد اجتماعی^۱، تفرقه قومی^۲، تبعیض و بی‌عدالتی، ضعف اعتماد اجتماعی، قانون‌گریزی، فروپاشی نهاد خانواده و...) علیه امنیت ملی کشور بوده‌ایم. در یک نگاه کلی می‌توان آسیب‌ها و تهدیدات امنیت ملی کشور را در قالب سه نوع سخت، نیمه‌سخت و نرم بیان کرد. لذا اولویت‌قائل شدن برای هر کدام از این تهدیدات، راهبرد امنیتی متفاوتی در برابر تصمیم‌گیران و نخبگان قرار می‌دهد. هدف موردنظر ما در این مقاله توجه به نقش و کارکرد فرهنگی نخبگان سیاسی در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است؛ چراکه توجه نخبگان به نقش و کارکردهای فرهنگی خود می‌تواند نقطه قوت جامعه در مقابل تهدیدات مورد اشاره و در نهایت باعث ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

باتوجه به اهمیت موضوع امنیت ملی و نقش بی‌بدیل نخبگان سیاسی در آن، اهمیت و ضرورت این تحقیق در موارد زیر قابل بیان است:

- اهمیت امنیت ملی که ارزش‌های اساسی و منافع حیاتی یک ملت را به‌عنوان مرجع خود قرار داده است، ایجاب می‌نماید که در فرایند تولید، حفاظت و پاسداری از آن نقش گروه‌ها و اقشار مختلف مخصوصاً نخبگان، مورد واکاوی قرار گیرد؛ چراکه ارتقای سطح امنیت ملی در گرو مشارکت مؤثر هریک از گروه‌ها و اقشار جامعه و تحلیل نقش هریک از آنهاست. از این رو یک جنبه از اهمیت و ضرورت این تحقیق در راستای این امر، قابل بیان است.

-
1. Social conflict
 2. Ethnic divorce

- نخبگان به‌عنوان عصاره هر دوره و محصول گفتمان‌ها و میدان‌های علمی و تشکل‌های تخصصی به‌ویژه ساختارهای سیاسی مسئولیتی انکارناپذیر نسبت به تحولات و مسائل جامعه خود دارند و از این‌رو تحلیل فرایند ایفای نقش و تحلیل اثر نخبگان بر امنیت ملی، یکی دیگر از مبانی اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق محسوب می‌شود.

- از دیگر دلایل اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع نخبگان و تأثیر آنها بر امنیت ملی این است که بررسی چنین موضوعی می‌تواند سبب ارتقای کارآمدی نظام برخاسته از مردم‌سالاری دینی و افزایش بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های موجود شود.

- تحلیل جامعه‌شناختی نقشی که نخبگان می‌توانند در افزایش اقتدار همه‌جانبه و کاهش آسیب‌پذیری کشور در حوزه سیاسی، امنیتی و حکومت‌داری داشته باشند، می‌تواند از دیگر جنبه‌های اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع نخبگان باشد.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

نقش و کارکرد فرهنگی نخبگان سیاسی در راستای ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

سؤالات فرعی

- نخبگان سیاسی دارای چه کارکرد فرهنگی در راستای تأثیرگذاری بر امنیت ملی (وضع موجود و مطلوب) هستند؟

- میزان و سطح اثرگذاری و اهمیت کارکرد فرهنگی نخبگان سیاسی بر امنیت ملی کشور چیست؟

- بیشترین و کم‌ترین میزان تأثیرگذاری (اهمیت) کارکردهای فرهنگی نخبگان سیاسی بر امنیت ملی کدامند؟

- بیشترین و کم‌ترین شکاف ایجادی بین وضعیت موجود و مطلوب مربوط به کدام کارکردها است؟

فرضیه تحقیق

باتوجه به ماهیت اکتشافی تحقیق، فرضیه مطرح نمی‌شود و جریان هدایت و جهت‌دهی تحقیق از طریق سؤالات صورت می‌پذیرد، ولی در بحث سنجش تفاوت معنی‌داری (sig) میانگین رتبه گویه‌ها از طریق آزمون فریدمن، فرضیه‌ای با عنوان:

فرضیه صفر: میانگین رتبه گویه‌ها با هم تفاوت معنی‌داری ندارند؛

فرضیه یک: میانگین رتبه گویه‌ها با هم تفاوت معنی‌داری دارند؛

مطرح می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع (ماهیت) داده‌ها، تلفیقی (کیفی - کمی) متوالی است. در این پژوهش تلفیقی، دو روش مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته و پیمایش (پرسشنامه) به صورت متوالی و هم‌افزا مورد استفاده قرار گرفته است. ابتدا با مطالعه اسنادی و تحلیل بخشی از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته پرسشنامه‌ای حاوی ۲۹ سؤال استخراج شد. روایی پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی^۱ که وظیفه آن ۱. مشخص نمودن متغیرهای ابتدایی تشکیل‌دهنده اجزای یک عامل، ۲. ادغام متغیرهای مرتبط با یکدیگر و ایجاد متغیرهای جدید و با تعداد کم‌تر، به طوری که متغیرهای حاصله مفهوم جامع‌تر پدیده مورد مطالعه را دربرگیرد (خلاصه‌سازی و ادغام متغیرهای اولیه و ایجاد عوامل ثانویه) است، مورد بررسی قرار گرفت (بدین گونه که در گام اول، پرسشنامه تهیه و جهت اعلام نظر به اساتید و کارشناسان ارائه شد، پس از جمع‌آوری پرسشنامه اولیه، بررسی و تأیید روایی، به منظور خلاصه‌سازی و ادغام برخی از گویه‌ها از روش تحلیل عاملی استفاده شد. پایایی گویه‌ها نیز از طریق آلفای کرونباخ^۲ مورد بررسی قرار گرفت. پس از آن از طریق تحلیل عاملی اکتشافی - با چرخش واریماکس - گویه‌هایی که همبستگی بیشتر داشتند، ادغام و در نهایت پرسشنامه‌ای با ۱۱ گویه تهیه شد.

1. Factor Analysis
2. Cronbach's alpha

جامعه و نمونه آماری

جامعه مورد مطالعه این پژوهش شامل مسئولان، متخصصان، افراد حرفه‌ای و اعضای هیئت علمی درگیر فعالیت‌های اجرایی و علمی مرتبط به حوزه‌های امنیت ملی بوده است. نمونه آماری، عضوی از جامعه آماری است که خصوصیات و ویژگی غالب اعضای جامعه آماری را دارد و در واقع، معرف جامعه و یا مجموعه آزمودنی‌ها می‌باشد و نتایج حاصله از مطالعات آنها قابل تعمیم به کل جامعه است. به دلیل اینکه موضوع تحقیق، موضوعی خاص با شرایط و محدودیت‌های ویژه است، به افراد متعددی مراجعه شد که یا حاضر به همکاری در این باره نبودند و یا نظریاتی مغایر با اهداف تحقیق داشتند؛ لذا نمونه مورد مطالعه در این تحقیق که به صورت هدف‌مند انتخاب شده است، شامل ۸۱ نفر از مسئولان، اساتید و کارشناسان مرتبط با حوزه‌های امنیت ملی (علوم اجتماعی، علوم سیاسی، امنیت ملی) از دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، شهید بهشتی، امام حسین (ع)، امین، وزارت خارجه و... بودند که هم اطلاعات کافی در خصوص این تحقیق داشته و هم حاضر به همکاری در این تحقیق بوده‌اند.

پس از استخراج نهایی سؤالات پرسشنامه (۱۱ سؤال نهایی) و به منظور اجرای عملیات تحقیق، پرسشنامه از طریق رایانامه برای نمونه مورد نظر (۸۱ نفر) ارسال شد. در نهایت پس از دریافت پرسشنامه‌های ارسالی و جمع‌آوری داده‌ها، مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS (تکنیک‌های آماری آزمون‌های فریدمن، تی تک‌نمونه‌ای و تی زوجی) صورت پذیرفت.

در پژوهش حاضر، برای به دست آوردن پایایی، پس از انجام پیش‌آزمون^۱، از فن آلفای کرونباخ استفاده شده است و گویه‌هایی که موجب کاهش ضریب آلفای مقیاس شدند، حذف شدند. جدول ذیل نتیجه مربوط به آزمون پایایی را نشان می‌دهد.

حوزه	تعداد گویه	مقدار آلفای کرونباخ
فرهنگی	۱۱	۰/۹۹۵

1. Pre-test

پیشینه تحقیق

علی‌رضا ازغندی در کتابی تحت عنوان «نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب» (در سال ۱۳۸۵)، دیدگاه‌ها و نظریات مختلف را درباره گروه نخبه با تأکید بر دیدگاه‌های «موسکا»^۱ و «پاره‌تو»^۲ بیان می‌دارد و اینکه آیا نخبگان در ایران از قدیم تاکنون از طبقات خاص برخاسته‌اند یا خیر؟ و از لحاظ میزان تحصیلات و منشأ قدرت نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی در برتری بوده یا در وضعیت یکسانی قرار داشته‌اند یا خیر؟ و همچنین خصوصیات و خلیقات نخبگان سیاسی و ناکارآمدی نخبگان سیاسی مطالبی گفته شده است.

یاسر جلالی و رحمت‌ا... صدیق سروستانی در مقاله‌ای با عنوان «نخبگان قدرت در شهر تهران، نقش تصمیم‌گیران در مسائل اجتماعی» (۱۳۹۰) با استفاده از نظریه نخبگان قدرت و با رویکردی نهادی، گروه قدرت در شهر تهران را مطالعه کرده است. این پژوهش برای مطالعه قدرتمندان، بر سازمان‌های دولتی شهر تهران متمرکز شده است و سران این سازمان‌ها را به‌عنوان نخبه در نظر گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که افراد مسئول به‌علت هماهنگی و توافق میان اعضای خود نقش مؤثری در اداره شهر تهران دارند و همچنین نخبگان شهر تهران اشتراکات زیادی مانند روابط کاری، گرایش‌های سیاسی مشابه، عضویت در حلقه قدرت، نظریات و رویکردهای خاص و... دارند.

پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی تأثیر فرهنگ سیاسی^۳ نخبگان سیاسی بر توسعه نیافتگی سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی» (۱۳۹۰) توسط زهرا فلاح رحمت‌آبادی به‌رشته تحریر درآمده است. محقق برای رسیدن به هدف کلی پژوهش ضمن در نظر داشتن اهداف جزئی از قبیل: تعریف و تبیین شاخص‌های توسعه سیاسی، تعریف و تبیین شاخص‌های فرهنگ سیاسی و فهم و تفسیر پیوند و ارتباط بین توسعه سیاسی و فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی، دنبال پاسخ‌دادن به سؤالاتی از قبیل (پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران تأثیر و نقش فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی در توسعه نیافتگی سیاسی به چه میزان بوده است؟) و همچنین تأیید و یا رد فرضیه‌ای با عنوان (به نظر می‌رسد فرهنگ سیاسی نخبگان، عامل تعیین‌کننده و اساسی در

1. Mosca
2. Pareto
3. Political culture

توسعه نیافتگی سیاسی پس از انقلاب اسلامی می باشد) است. روش مورد استفاده در این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، تفسیری و تحلیلی است، همچنین روش جمع آوری داده ها اسنادی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و سایر مراکز علمی - پژوهشی و اینترنتی است. در نهایت نتایج و یافته های تحقیق فوق عبارتند از: وجود برخی عناصر و مؤلفه های رفتاری و ارزشی در فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مانع توسعه سیاسی ایران پس از انقلاب شده است مانند (وجود مطبوعات رسمی و دولتی ضعیف، احزاب غیر مردمی و سازمان نیافته، نقادی ضعیف و خشونت در فضای سیاسی، رشد قارچ گونه مطبوعات، افزایش درگیری های سیاسی، حاکم شدن ارادت سالاری به جای شایسته سالاری و بی اعتمادی سیاسی).

مبانی نظری تحقیق (تعریف متغیرها و مفاهیم) نخبه

نخبه یا الیت به معنای فردی است که از نظر قابلیت ها یا توانایی ها برتر از بقیه افراد جامعه دانسته می شود (باتومور، ۱۳۸۱: ۲ - ۱).

نخبگان سیاسی

نخبگان سیاسی کسانی هستند که مناصب برجسته سیاسی را در اختیار دارند و عملاً قدرت سیاسی را اعمال می کنند (باتامور، ۱۳۶۹: ۵ - ۳). به عبارت دیگر، نخبگان سیاسی همان صاحبان قدرت و دارندگان مناصب عالی در یک نظام سیاسی هستند که بیشترین نقش را در پویا شدن تحولات جامعه ایفا می کنند.

امنیت

امنیت به مفهوم کلی آزادی و رهائی از ترس و خطر و احساس ایمنی از هرگونه تهدید است (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۵).

امنیت ملی

در «فرهنگ روابط بین الملل» چنین آمده است: امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارائی یا خاک خود به سر می برد (به نقل از بهزادی، ۱۳۶۸: ۱۰).

بهبودی می‌نویسد: در ادبیات روابط بین‌الملل، امنیت غالباً به معنای احساس آزادی در تعقیب اهداف ملی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور آمده است (بهبودی، ۱۳۶۸: ۱۰).

«ریچارد کوپر^۱» می‌گوید: امنیت به معنای توان جامعه در حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌هایش می‌باشد. او برای امنیت دو جنبه قائل است: شرایط عینی و برداشت‌های ذهنی. شرایط عینی عبارتند از عوامل فیزیکی و وضعیتی که کم‌ترین بایستگی‌ها را برای تأمین امنیت کشور معین می‌کنند. برداشت‌های ذهنی نیز پدیده‌هایی روانی هستند که ممکن است حتی با وجود شرایط عینی، وجود داشته باشند. در همین راستا، «آرنولد ولفرز^۲» معتقد است: امنیت نماد ابهام‌آمیزی است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد. «آلستایر بوچمن^۳» نیز معتقد است: امنیت واژه‌ای است که معانی بسیاری دارد و «باری بوزان» می‌گوید: امنیت ملی را نمی‌توان به‌طور کلی تعریف کرد، بلکه تنها در مواردی مشخص می‌توان آن را تعریف نمود. او در جای دیگری می‌گوید: امنیت ملی از لحاظ مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف مبهم، ولی از نظر سیاسی قدرتمند باقی مانده است، زیرا راه را برای طرح راهبردهای بسط قدرت توسط نخبگان سیاسی و نظامی باز می‌گذارد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴).

«رابرت مارندل^۴» نیز معتقد است: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی و ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی می‌باشد تا از تهدیدات مستقیم خارجی نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند (مارندل، ۱۳۷۷: ۵۲).

از تعاریف فوق چنین برمی‌آید که اندیشمندان این رشته، علی‌رغم اینکه بر تعریف واحدی از مفهوم امنیت توافق نداشته و هریک برای تعریف آن از واژه‌ها و عبارات گوناگونی استفاده نموده‌اند، اما می‌توان گفت عوامل ثابتی در تمام این تعاریف‌ها تکرار شده است که عبارتند از: ارزش‌های حیاتی، منافع، تهدید و ابهام.

1. Richard Cooper
2. Arnold wowlfers
3. alistair bochman
4. Robert Mandel

فرهنگ

فرهنگ عبارت است از مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت‌ها و به‌طور خلاصه کلیه آموخته‌ها و عاداتی که یک انسان به‌عنوان عضو جامعه اخذ می‌کند (آشوری، ۱۳۵۷: ۷۱ - ۳۲).

چارچوب نظری

نظریه‌های نخبگان: اصل اساسی نظریه نخبه‌گرایی این است که تاریخ سیاست، تاریخ سلطه «نخبه» است و در هر جامعه‌ای اقلیتی وجود دارد که تصمیمات عمده را می‌گیرد. در مقاله حاضر، برای تبیین نقش نخبگان از اندیشه‌های «موسکا» و «پاره‌تو» استفاده شده است.

نظریه گائتانو موسکا

گائتانو موسکا^۱ در عبارتی گویا این اصل را به‌روشنی بیان کرده است: در همه جوامع (از جوامعی که کم‌تر توسعه یافته و از طلوع تمدن کم‌تر بهره برده‌اند تا جوامعی که توسعه یافته و قدرتمندند)، دو طبقه از مردم حضور دارند: طبقه‌ای که حکومت می‌کنند و طبقه‌ای که بر او حکومت می‌شود. طبقه اول که اغلب در اقلیت است، تمام کارویژه‌های سیاست را در اختیار دارد، قدرت را قبضه می‌کند و از تمامی امتیازات قدرت بهره می‌برد، درحالی‌که طبقه دوم که اکثریت است، توسط اولی کنترل و هدایت می‌شود (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۳۶۵).

«موسکا» عنصری غیر از زور را برای افزایش تأثیر حکومت هر طبقه حاکمه ضروری می‌داند. «موسکا» این عنصر را «فرمول سیاسی» می‌نامد. در واقع، در جوامع سیاسی طبقه حاکم هیچگاه قدرت خود را با صرف تصرف قدرت توجیه نمی‌کند، بلکه می‌کوشد پایه‌ای اخلاقی یا قانونی برای سلطه خود دست‌وپا کند. «فرمول سیاسی» لزوماً نمایانگر درستی و حقانیت نیست، بلکه ممکن است افسانه‌ای بیش نباشد. موسکا ضمن تأکید بر سازمان‌یافتگی گروه اقلیت، از خصوصیات برتری‌جویانه دیگر نخبگان حاکم از جمله امتیازات مادی، منش روشنفکرانه و قابلیت روانی سخن می‌راند. اصولاً به اعتقاد او گروه نخبه حاکم باید شخصیت‌هایی را دربرگیرد که چنین امتیازاتی داشته باشند (فرهادی، ۱۳۸۸: ۲۲).

1. Gaetano Mosca

«گائتانو موسکا» در کتاب بحث برانگیز خود با عنوان «طبقه حاکم»^۱ می‌نویسد: در کلیه جوامع، از عقب‌مانده‌ترین آنها تا پیشرفته‌ترین و قدرتمندترین جوامع دو طبقه وجود دارد، طبقه حاکم و طبقه محکوم^۲ (Mosca, 1989: 50).

طبقه حاکم اقلیت سازمان‌یافته‌ای را تشکیل می‌دهد که قدرت حکومت را در انحصار داشته و از تمام امتیازاتی که قدرت همراه می‌آورد، برخوردار است؛ درحالی‌که طبقه محکوم شامل توده‌های عظیم مردم غیرمتشکل است که تحت رهبری طبقه اول قرار گرفته و از آن تبعیت می‌کند. این برتری، گهگاه قانونی و در بسیاری اوقات با به‌کارگیری قهر، امکان‌پذیر است (Mosca, 1989: 52).

بدین ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت که عناصر غیردموکراتیک و مستبدانه قدرتمندی در نظرات موسکا وجود دارد؛ چراکه از نظر او در تمام جوامع، بدون توجه به سنخ و ماهیت نظام حکومتی، طبقه حاکم سیاسی به‌منظور تأمین منافع خود عمدتاً از طریق تحمیق مردم و استفاده از زور، قابلیت اداره کشور را دارد. می‌توان از نظریه نخبگان موسکا چنین برداشت کرد که همه جوامع بشری، کوچک یا بزرگ، سنتی یا مدرن، صنعتی یا غیرصنعتی از داشتن حکومت ناگزیرند و در هر جامعه بشری به‌طور اجتناب‌ناپذیر یک طبقه کوچک حکومت‌کننده و انبوه مردم حکومت‌شونده وجود دارد (Mosca, 1989: 60).

اصطلاح گروه نخبه در نظریات سیاسی با اصل مسلم ضرورت حکومت صالحین پیوند خورده است. منظور «موسکا» از صالحین یا بهترین‌ها در حیات سیاسی جوامع عبارت است از انسان‌هایی که در موقعیت مناسبی هستند و قادرند که بر هم‌نوعان خود به بهترین نحو حکومت کنند. پذیرش این واقعیت که طبقه‌ای - طبقه حاکم - حکومت می‌راند، خود دلیلی است که این طبقه از عناصر به‌هم‌پیوسته و همگون تشکیل شده‌اند که در زمان و مکان مشخص مناسبترین عناصر برای حکمرانی هستند. البته ضروری نیست که این بهترین‌ها همیشه روشن‌فکرترین و بشردوست‌ترین انسان‌ها باشد. به باور «موسکا» برای اینکه بتوان حکومت

1. Ruling class
2. The condemned class

راند، روان‌شناسی یکایک افراد جامعه و توده‌ها و نیز اتکای به نفس و استقلال رأی بسیار مهم‌تر است از توجه و اجرای مقوله‌هایی مانند عدالت، آزادی و مساوات (باتامور، ۱۳۸۱).

نظریه ویلفردو پاره‌تو^۱

«پاره‌تو» اعتقاد دارد که انسان‌ها ذاتاً نامساوی خلق شده‌اند و از لحاظ جسمی و روحی با یکدیگر کاملاً فرق می‌کنند. بدین ترتیب می‌توان گفت که پاره‌تو دارای اندیشه‌های قدیمی ایتالیایی و شدیداً متأثر از افرادی چون ماکیاول است. پاره‌تو انسان را اصولاً موجودی بدسرشت می‌داند که عواطف، احساسات و غرایز، او را به این سو و آن سو می‌کشاند. درحقیقت، همین احساسات و غرایز هستند که زیربنای رفتارهای سیاسی را تعیین می‌کنند و بقیه روبنا هستند (کوزر^۲، ۱۳۸۶ و باتامور^۳، ۱۳۸۱).

به گمان «پاره‌تو» تمایز نخبه از توده، یک فرایند کاملاً تجربی است و نیاز به استدلال‌های علمی مشخص ندارد. درواقع، کارگزاران دارای جایگاه مشخصی در جامعه هستند و ایشان سرآمد جوامع خود محسوب می‌شوند. باوجوداین، تعریف نخبه در نگاه «پاره‌تو» بسیار کلی و مبهم است. وی دو دسته نخبه را از یکدیگر متمایز می‌کند؛ نخبه حاکم که در حکومت فعالیت دارد و نخبه غیرحاکم. «پاره‌تو» در کتاب «رساله‌ای درباره‌ی جامعه‌شناسی سیاسی عمومی» مفاهیم اصلی نظریه خود درمورد چگونگی انسجام و همبستگی جوامع انسانی را بیان می‌دارد؛ اول، تعادل و ثبات اجتماعی که عبارت از نابرابری‌های موجود میان انسان‌هاست و موجب پیدایش گروه نخبگان می‌شود؛ دوم، منافع که عبارت از انگیزه‌های اقتصادی عمل اجتماعی هستند؛ سوم غرایز یا «ذخایر ثابت» که احساساتی هستند که بر رفتار اجتماعی تأثیر می‌گذارند؛ و چهارم «مشتقات» که مظاهر شبه‌عقلانی و فریبنده غرایز هستند و معمولاً شکل عقاید فلسفی به‌خود می‌گیرند (بشیریه، ۱۳۷۸: ۶۰).

«ویلفردو پاره‌تو» در بررسی‌های خود از میان مسائل و موضوعات مختلف، مخصوصاً نسبت به شرایطی که موجب پیدایش نخبگان حاکم می‌شود، علاقه نشان می‌دهد. او می‌نویسد: طبیعتاً باید در بررسی مسائل سیاسی به این امر توجه کافی و وافیه مبذول داشت که چگونه

1. pareto
2. Couser
3. Batamour

گروه‌های مختلف جمعیتی در یکدیگر ادغام می‌شوند. فردی که از یک گروه اجتماعی به گروه دیگری می‌پیوندد، احساسات و تمایلات و الگوهای رفتاری معینی را که در گروه اولیه کسب کرده است، با خود به گروه دوم انتقال می‌دهد. این جابه‌جایی گروه‌ها در شرایط خاص و استثنایی را، یعنی در شرایطی که فقط دو گروه نخبه در جامعه وجود داشته باشد، «گردش ادواری نخبگان» می‌نامیم (pareto, 1969: 248).

«نظریه ادواری تحول» بر این فرض استوار است که آن گروه و دسته از نخبگان که می‌توانند قدرت را به‌چنگ آورند، دارای وزنه سنگینی از عناصر شیرصفت هستند و شجاعت حمله به مناسبات پوسیده نظم کهن را دارند و میانشان نوعی عصیبت و همدلی فوق‌العاده وجود دارد، اما پس از چندی به محض آنکه رقبا را از صحنه خارج کردند، خود از درون به‌نزاع برخاسته و از آنجاکه قدرت همواره میل به تمرکز و تک‌قطبی و انحصاری شدن دارد، دورانی از فجاجیع و تسویه حساب‌های خونین میان گروه نخبه تازه به‌قدرت رسیده شروع می‌شود و سرانجام به حذف مؤتلفین می‌انجامد. آنگاه رخوت و سستی یا تجمل‌گرایی و روباه‌صفتی که ناشی از نزدیکی مزدوران به قطب پیروز است، بر آنها سایه می‌افکند و شرایط برای تکرار هر چرخشی آماده می‌شود (ازغندی، ۱۳۸۵: ۳۷).

امنیت ملی

امنیت ملی در پژوهش‌ها و تحقیقات علوم اجتماعی و روابط بین‌الملل از یکسو و نظام حاکم بر نظام بین‌الملل از سوی دیگر به خصوصیات و وضعیت عاملان داخلی ارتباط داده شده است. با وجود اینکه، امنیت ملی متأثر از محیط بین‌المللی و محیط داخلی هر کشوری شکل می‌گیرد و تهدیدات داخلی و خارجی به‌عنوان اصلی‌ترین عامل در نقض امنیت ملی کشورها مطرح هستند، اما مفهوم امنیت ملی در فرایند تکامل رشته روابط بین‌الملل توانسته است تدریجاً جای خود را در مطالعات علوم اجتماعی باز نماید.

پژوهش‌ها در زمینه امنیت ملی بعد از جنگ ویرانگر جهانی دوم و ظهور امریکای قدرتمند و مسلط بر دنیا با اشکال تخصصی و پیچیده‌ای مورد توجه قرار گرفت و بسیاری از مسائل اجتماعی - فرهنگی و سیاسی را که در زمان‌های نه‌چندان دور در مباحث امنیتی اهمیت و جایگاهی نداشتند، در برگرفت. پس از جنگ جهانی دوم و همچنین جداسدن رشته روابط

بین‌الملل از علوم سیاسی در امریکا، این رشته از رشد و تکامل چشمگیری برخوردار شد که توجه همه‌جانبه به امنیت ملی از جمله این تکامل‌ها بود. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که در امریکا این تحولات با تأسیس و توسعه سازمان‌هایی نظیر سازمان ملل متحد، آژانس امنیت ملی، و نهاد شورای امنیت هم‌زمان بوده است. به عبارت دیگر، در زمان نظام دوقطبی و جنگ سرد، امنیت ملی به‌عنوان محور اصلی تحقیقات قرار گرفت. در این دوران، به دلیل شدت تضاد ایدئولوژیکی بین دو ابرقدرت و قطب‌بندی‌های غرب و شرق هرگونه موفقیت و پیشرفت یک‌طرفه به‌خصوص در زمینه فناوری تسلیحاتی به‌مثابه ناامنی جبهه مقابل تلقی می‌شد.

مبانی دینی امنیت

امنیت از نگاه قرآن و اسلام بر پنج مؤلفه استوار است:

نخست اینکه در قرآن «امنیت ایمانی» در مرکز و کانون توجه قرار دارد. این تعبیر حتی در نزدیکی لغوی ایمان و امنیت نیز مورد توجه قرار گرفته است: «قرآن کریم امنیت ایمانی را به‌عنوان امنیت «معیار» مطرح می‌کند. از نظر لغوی، معنای امنیت از ریشه «أمن» می‌آید که به‌معنای درامان‌بودن و ایمن‌بودن است. در عین حال، از مشتقات این واژه، آمن و آمن است که به‌معنای اطمینان‌داشتن و ایمان‌آوردن است. قرآن ضمن برشمردن امنیت و وجوه عینی آن، نوع کامل و اصلی امنیت را امنیت مبتنی بر ایمان به خداوند می‌داند. این مفهوم هر سه معنای امروزی از امنیت عینی، ذهنی و آرامش و اطمینان قلبی را بازنمایی می‌کند (غریباق زندی، ۱۳۸۹: ۷-۶).

بنابراین، «ایمان» و «ایمنی» در منطق الهی توأم‌اند (شریعت‌مدار جزائری و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۳): الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ (انعام/۸۲).
در آیه دیگری خداوند متعال «ایمنی» را جزای «ایمان» دانسته است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا (نور/۵۵).

در فرهنگ اسلامی ایمان هم پایه امنیت است و هم هدف آن. از این جهت که امنیت اصلی، واقعی و حقیقی در گرو ایمان است، ایمان پایه امنیت است. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»: یاد خدا و همبستگی با خدا و تصحیح رابطه انسان با خدا امنیت، آرامش و ایمنی را

به دنبال می‌آورد، زیرا ارتباط با خدا باعث می‌شود تا انسان جایگاه حقیقی خود را در هستی پیدا کند. همچنین هویت فلسفی انسان در گرو درک درست انسان از جایگاه خود در هستی است (غرایاق زندی، ۱۳۸۹: ۲۰).

خداوند، ایمان را راه رهایی از مشکلات و ناامنی و راه درست گام‌نهادن در بهشت برین قرار داده است. در این صورت، مرجع امنیت از منظر قرآن، ایمان است. به عبارت دیگر، داشتن ایمان لزوماً مهم‌تر از سعادت بشر است، ولی در عین حال، مغایر هم نیستند. مفهوم امنیت ایمانی در قرآن، در هر سه وجه کلی مفهوم امنیت، قابلیت کاربرد دارد. قرآن، نتیجه امنیت ایمانی را هم در وجه عینی، مثل وسعت رزق و روزی یا امن بودن از مکر، حيله و فتنه مورد بحث قرار می‌دهد و هم با تأکید بر موضوعات کلیدی‌ای چون صبر و توکل، در وجه ذهنی، نوعی نگاه امیدوارانه را به جامعه منتقل می‌کند. در نهایت، در وجه روانی نیز یاد خدا آرام‌بخش دل‌هاست (غرایاق زندی، ۱۳۸۹: ۲۹ - ۲۸).

رسالت پیامبر اکرم «ص» نیز دعوت مردم به ایمان به خدا و امنیتی است که در سایه ایمان به خدا حاصل می‌شود. پیامبر گرامی اسلام «ص» از آغاز بعثت، میان ایمان به خدا و فلاح و رستگاری که امنیت نیز یکی از مشتقات آن است، ارتباط برقرار کرد: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا». ایشان در تمام دوران مکه و مدینه نیز بر دین اسلام و توحید به عنوان مرجع امنیت تأکید کرد. این امر از آنجا روشن می‌شود که حضرت در دفاع از دین، حتی جان شریف خود را در جنگ‌ها و غیرجنگ‌ها به خطر می‌انداخت (لکزایی، ۱۳۸۵: ۱۸۹).

راهکارهای تحقق امنیت ایمانی نیز در اسلام مورد توجه قرار گرفته است: «خداوند برای تحقق امنیت، وسایل لازم را نیز پیشنهاد می‌کند. نخست برای مردمان مختلف، کتاب راهنما و میزان برای هدایت آنها فرستاده است. در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید آمده است: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ: ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را فرستادیم که در آن نیروی شدید و منفعتی برای مردم است تا خداوند بداند چه کسانی او و رسولانش را یاری می‌کنند، بی‌آنکه او

را ببینند. به درستی که خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است. این کتاب تحقق امنیت و ایجاد برادری و برابری و کسب رحمت خداوند است.

دیگر ادله و معجزات در تأیید درستی پیام و دستور خداوند است تا مردم را در پذیرش پیام الهی که مبنای امنیت ایمانی است، یاری دهد و با اطمینان و اعتماد مناسب، به ایمان خداوند درآیند (زخرف/۲).

پیامبرانی برای ترویج آیین خداوند به جانب مردمان و اقوام مختلف اعزام شدند. این پیامبران نه تنها برای ارسال پیام الهی ارسال شدند، بلکه با ادله و معجزاتی تجهیز شدند تا تحقق عینی پیام الهی را دنبال کنند (حدید/۲۵).

حکومت و فرمانروایی برخی از پیامبران، در راستای ایجاد ساختار سیاسی و اجتماعی نمونه و عملی است. این موضوع در مورد بنی اسرائیل مورد اشاره قرآن بوده است (جاثیه/۱۶).

آخرین ابزار لازم، به‌ویژه برای جنگیدن آهن و زره است. آهن که چیزی سخت در قرآن تصویر شده است، دارای منافع زیادی برای مردم در جنگیدن است. همچنین، ساختن زره در قامت انسان برای حفاظت از زخم شمشیر است (سبأ/۱۱ و غرایق زندگی، ۱۳۸۹: ۲۲ - ۲۱).

البته در اسلام تأمین امنیت درونی اهمیت بیشتری دارد و مبارزه با عوامل درونی تهدید از اولویت بیشتری برخوردار است. عوامل درونی تهدید عواملی هستند که ایمان مردم را تهدید می‌کنند. از جمله مهم‌ترین آنها عوامل نفسانی هستند. به‌همین دلیل، از مبارزه با عوامل نفسانی به‌عنوان جهاد اکبر یاد می‌شود که مهم‌تر از جهاد اصغر به‌معنای مبارزه و جنگ در عرصه نظامی است. از ویژگی‌های این نوع جهاد، نامشخص بودن دشمن و نشانه‌های آن، همراهی دائمی او در تمام مراحل جنگ و نامحدود بودن آن به زمان و میدان جنگ است. این جهاد مقدمه موفقیت جهاد اصغر تلقی می‌شود (سلیمانی، ۱۳۹۲).

امنیت در اسلام و قرآن، در تعبیر فراخ و موسع آن مدنظر است. اسلام، امنیت افراد، گروه‌ها، حکومت، امت حتی در سطح جهانی و تمام ابعاد آن را مورد توجه قرار داده است. از آنجاکه اسلام دیدگاه همه‌جانبه‌تری نسبت به امنیت دارد، مرجع امنیت را هم حکومت می‌داند، هم ملت، هم آحاد مردم و هم حقوق آنها. پس تهدیدها و تعرض‌ها از منظر این دیدگاه متوجه دولت، آحاد ملت و ایدئولوژی هستند و امنیت شامل طرح همه‌جانبه‌ای است که سعی

در صیانت دولت، ملت، ایدئولوژی و تک‌تک افراد جامعه از این گزندها دارد (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸: ۲۸).

از نظر سطح، امنیت به سه دسته امنیت فردی، امنیت گروهی و امنیت ملی و از نظر قلمرو به دو دسته امنیت داخلی و امنیت خارجی تقسیم و از نظر موضوع حداقل شامل امنیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، زیست‌محیطی و منابع می‌شود (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸: ۴۵).

امنیت از نظر قرآن و اسلام در سایه تحصیل امنیت اخروی و در کنار امنیت دنیوی تکامل می‌یابد. به عبارت دیگر اسلام تنها به امنیت دنیوی اکتفا نمی‌کند و امنیت و آسایش اخروی را نیز که ماحصل عمل به دستورات الهی و حرکت در صراط مستقیم است، مورد توجه قرار می‌دهد.

ابعاد و وجوه امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

برجسته‌ترین وجوه و ابعادی که برای امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی ایران متصور است عبارتند از:

امنیت فردی^۱: یعنی هر فرد بتواند بدون دغدغه از امکانات عمومی بهره‌مند شده و از آزادی‌های قانونی و مشروع در جهت رشد و تعالی مادی و معنوی بهره‌برداری کند و با هیچ‌گونه مانع و تهدیدی مواجه نگردد و کرامت انسانی‌اش رعایت شود.

امنیت اجتماعی^۲: یعنی آرامش و سلامت جامعه و رشد حس تعاون و همیاری و دوری از ناهنجاری‌های اخلاقی و رعایت قانون.

امنیت اقتصادی^۳: فراهم بودن زمینه‌های درآمد مناسب اقشار میانی و پائین جامعه در حل مشکلات معیشتی و مسکن، سرمایه‌گذاری و اشتغال، قانونمندی و سلامت در چرخه تولید، توزیع و مصرف، بهره‌وری مناسب از ذخایر و معادن، توسعه و مکانیزه‌نمودن بخش کشاورزی، رهایی از اقتصاد تک‌محصولی، خودکفایی در صنایع مهم و کلیدی و دستیابی به فناوری‌های پیشرفته، تعادل و توازن در عرضه و تقاضا.

1. Individual security
2. Social Security
3. Economic security

امنیت سیاسی^۱: تعامل احزاب و جناح‌های دلسوز انقلاب، پرهیز از تشنج و درگیری‌های قومی و حزبی، وفاق و همدلی کارگزاران نظام، آرامش در محیط‌های علمی، سیاسی و رسانه‌ای، فضای سالم و مناسب برای نقد منصفانه عملکردها، اقتدار نهادهای امنیتی و سیاسی در ردیابی تحرکات طراحان براندازی نرم و اشراف بر روند شکل‌گیری طرح‌های دشمنان و عوامل داخلی و منطقه‌ای آنان در توطئه‌های فرهنگی سیاسی و نظامی، حضور همگانی مردم در عرصه‌های گوناگون سیاست و حمایت همه‌جانبه از نظام اسلامی.

امنیت قضایی^۲: حفظ حقوق و حرمت شهروندی، اجرای یکسان قانون برای همه متخلفان، احقاق حقوق ستم‌دیدگان و مظلومان، ضابطه‌مندی و قاطعیت در مسیر مراحل قضایی پرونده‌های مفسدان سیاسی و اقتصادی.

امنیت فرهنگی^۳: رشد اخلاق دینی، ارتقای فرهنگ عمومی و اسلامی، پویایی و گسترش ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس، فراهم‌بودن بسترهای مناسب تولید علم و تقویت جنبش نرم‌افزاری، استحکام پایه‌های معرفت دینی و ایمن‌سازی اخلاقی و روحی نسل جدید در برابر تهاجمات و شیخون فرهنگی دشمنان.

امنیت دفاعی مرزی و منطقه‌ای: ساماندهی و تقویت نیروهای مسلح متناسب با دفع تحرکات نظام دشمنان و نبردهای نامتقارن و ناهم‌تراز، خودکفایی تسلیحاتی در جهت بازدارندگی تهدیدات، تعامل سالم و سازنده با همسایگان، احترام متقابل و تفاهم بر محور مشترکات سیاسی، دینی و جغرافیایی در جهان اسلام، دیپلماسی فعال و تأثیرگذار در عرصه سیاست بین‌الملل (شیدائیان، ۱۳۸۸).

مکاتب عمده تحلیل و تبیین امنیت ملی

در چند دهه گذشته سه مکتب عمده که دربرگیرنده بیشتر نظریه‌پردازان امنیت ملی بوده‌اند، بیش از دیگر مکاتب به تولید آموزه‌های امنیت ملی و تبیین شرایط بین‌المللی از دیدگاه امنیت ملی پرداخته‌اند:

1. Political security
2. Judicial Security
3. Cultural security

نخستین مکتب را بیشتر جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی امریکایی برای پاسخگویی به نیازهای جامعه امریکایی از پایان راهبرد انزوا در آن کشور پدید آوردند. مکتب دوم، مکتب انگلیسی است که پیروان آن بنابر سنت جامعه‌شناسان انگلیسی، بیشتر به ابعاد تاریخی امنیت توجه کرده و به تبیین نظریات در زمینه امنیت ملی پرداخته‌اند. در مکتب انگلیسی توجه توأمان به حقوق و قدرت در روابط بین‌الملل است. مکتب سوم که باتوجه به خاستگاه بنیان‌گذاران آن به مکتب کپنهاک^۱ شهرت یافته است، تهدید را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی (جهانی) مورد بررسی قرار داده و ماهیتی ترکیبی برای تهدیدات قائل شده است. این مکتب با پیوستن افرادی چون «باری بوزان»^۲، «اولی و یور»، «جپ دیوایل» به آن از پویندگی برخوردار شده است (سادات‌امینی، ۱۳۹۰: ۲۷).

دیدگاه‌های سنتی به امنیت ملی

باتوجه به اینکه امنیت در سه سطح کلی فردی، ملی و بین‌المللی مطرح می‌باشد در مقبولیت و عدم مقبولیت آن، دیدگاه‌ها و برداشت‌های متعددی وجود دارد. آنچه مسلم است این است که هریک از سطوح فوق صرف‌نظر از هرگونه برداشت و دیدگاه بر امنیت ملی تأثیر مستقیم دارد. عمده‌ترین برداشت‌های سنتی از امنیت ملی به شرح ذیل می‌باشند (امینی، ۱۳۸۳: ۱۵۶):
 برداشت رئالیستی: مبانی نظری برداشت رئالیستی از امنیت ملی را باید در اندیشه‌های کسانی چون «هابز» و در دوره‌های اخیر نویسندگانی چون «مورگنتا»، «ای اچ کار»، و حتی نظریات جالب‌توجه «باری بوزان» جستجو کرد که البته نظرات قبلی در برداشت ایشان جامعه بین‌الملل را به صورت میدانی از رقابت و نزاع ترسیم نموده‌اند که بازیگران اصلی آن را دولت‌ها تشکیل می‌دهند.

براساس برداشت رئالیستی از امنیت ملی این نتیجه حاصل می‌گردد که امنیت ملی مفهومی کاملاً نسبی است و در این وضعیت یک ملت هیچگاه نمی‌تواند احساس امنیت بکند، بلکه همواره نگران قدرت‌گرفتن رقیب و در نتیجه به‌خطرافتادن امنیتش می‌باشد. محققانی که برداشت رئالیستی از امنیت ملی دارند، استنتاجات خود را با فرض وجود هرج و مرج در جامعه

1. Copenhagen School
 2. Buzan

بین‌الملل و فقدان قدرت فوق ملی استوار ساخته‌اند و با توصیفی که از امنیت ملی ارائه می‌کنند، تنظیم قوانین و انعقاد قراردادها را برای تأمین امنیت کشورها غیرواقع‌بینانه می‌دانند (امینی، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

نظریه‌هایی مانند موازنه قدرت^۱، بازدارندگی^۲ و امنیت دسته‌جمعی برای دستیابی به صلح و امنیت بازتابی از برداشت‌های رئالیستی در نظام بین‌المللی هستند (امینی، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

برداشت ایدئالیستی: برداشت ایدئالیستی نکته مقابل برداشت رئالیستی است. این دیدگاه امنیت ملی را نه توانایی یک ملت بلکه نبود تهدید و وجود تأمین می‌داند. با این برداشت، امنیت ملی این مفهوم را می‌یابد که ملتی فارغ از تهدیدات یا ازدست‌دادن تمام یا بخشی از جمعیت، جغرافیا، منافع و یا خاک به‌سرمی برد (یزدان‌پناه درو، ۱۳۸۱: ۸۴).

برداشت «انترناسیونالیستی»: اصحاب چنین رهیافتی، همکاری دولت‌ها را به‌عنوان امری اجتناب‌ناپذیر تلقی کرده و دسترسی به امنیت را تنها با وجود همکاری امکان‌پذیر می‌دانند که در صورت عدم همکاری امنیت نیز از بین می‌رود. برداشت «انترناسیونالیسم» که به‌عنوان نهادگرایی بین‌المللی نیز شناخته می‌شود، حد وسط دو برداشت قبلی است (یعنی رئالیست و ایدئالیست). بنابر برداشت «انترناسیونالیستی» از امنیت در آینده جهان، تأمین این مهم و گسترش همکاری از طریق تفکر جهانی و ایجاد نهادهای بین‌المللی سبب کاهش رقابت‌های منفی و تنش‌زا و گسترش فرهنگ مشارکت انسانی و عدالت جهانی خواهد شد و تهدیدات امنیتی را از بین خواهد برد (یزدان‌پناه درو، ۱۳۸۱: ۸۵).

تفاوت اساسی گسترش همکاری دولت‌ها در دیدگاه «ایدئالیستی» و دیدگاه «انترناسیونالیستی» در این است که در دیدگاه «ایدئالیستی» همکاری دولت‌ها امری اخلاقی و ارزشی است، ولی در دیدگاه «انترناسیونالیستی» همکاری بین دولت‌ها متأثر از اجبار دوگانه است.

1. Balance of power
2. Deterrence

دیدگاه‌های مدرن به امنیت ملی

- واقع‌گرایی مشروط: واقع‌گرایان مشروط، خود را از جمله واقع‌گرایان ساختاری یا واقع‌گرایان نوین تلقی می‌کنند. آنها معتقدند اصول رایج در واقع‌گرایی نوین به‌راحتی قابل خدشه است. دیدگاه آنها درخصوص امنیت ملی عبارت است از:

۱. از لحاظ نظری تمایل کشورها به رقابت نظامی پذیرفتنی است؛
۲. چنین نیست که کشورها صرفاً دنبال کسب امتیازهای انحصاری باشند؛
۳. تأکید بر عامل فردیت به‌عنوان یک عامل بازدارنده در همکاری میان کشورها تاحدزیادی مبالغه‌آمیز است (جمهری، ۱۳۸۱: ۱۸).

«آنارشیزم»^۱ متکامل: طرفداران این نظریه بر این عقیده‌اند که تمدن روبه‌رشد در اروپا می‌تواند با در نظر گرفتن سایر مناطق جهان، به یک جامعه بزرگ امنیتی تعمیم یابد و این تنها در صورتی ممکن است که همکاری اقتصادی و سیاسی کشورهای مذکور روبه‌روز افزایش یابد. هواداران نظریه آنارشیزم متکامل می‌پذیرند که ساختار جهانی عامل تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی کشورهاست. از نکات مورد توجه این نظریه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. آنارشیزم متکاملی که در اروپا رایج است، متأثر از اهمیت روزافزون نظریه امنیت بین‌الملل است؛

۲. امروز کشورهای بسیاری بر این اصل توافق دارند که امنیت آنان وابسته به امنیت دیگر کشورهاست؛

۳. هرچه موج امنیت بین‌الملل گسترده شود، امید جهانیان برای رهایی از تنگناهای امنیت افزون‌تر خواهد شد (جمهری، ۱۳۸۱: ۱۹).

«صلح دموکراتیک»: یکی دیگر از نظریاتی که پس از پایان جنگ سرد به‌وجود آمد، دیدگاه لیبرال جدید نسبت به امنیت موسوم به نظریه صلح دموکراتیک است. براساس این نظریه، آنجاکه کشورهای دموکراتیک لزومی در نزاع با یکدیگر نمی‌بینند، می‌توان دموکراسی را به‌عنوان یک عامل مهم در ایجاد صلح به‌حساب آورد. نظریه صلح دموکراتیک بر سه نکته تأکید دارد:

۱. طرح و ایجاد جمهوری دموکراتیک؛

1. anarchism

۲. تعهدات اعتقادی به حقوق بشر؛

۳. رابطه متقابل کشورها (جمهری، ۱۳۸۱: ۱۹).

«امنیت دسته‌جمعی»: هواداران این نظریه معتقدند که قدرت نظامی یکی از مشخصه‌های مهم در حیات بین‌المللی کشورهاست. به نظر چارلز و کیلفورد کاپچن، کشورها در سایه امنیت دسته‌جمعی در مقابل معیارها و قوانین مشترک گردن می‌نهند و در صورت لزوم برای مقابله با تهدیدهای احتمالی با یکدیگر متحد می‌شوند. در خصوص این نظریه سه نکته مورد نظر است:

۱. کشورها نباید برای تغییر وضع موجود به ابزار نظامی متوسل شوند؛

۲. کشورها باید بر فضای تردید و بی‌اعتمادی حاکم بر سیاست‌های بین‌المللی غلبه کنند.

۳. کشورها باید از افقی بالاتر به امنیت بنگرند (امنیت کلان همه) (جمهری، ۱۳۸۱: ۲۰).

نظریه سازندگی: اصول مشترک این نظریه عبارت است از:

۱. ساختار بنیادین سیاست بین‌الملل بیش از آنکه مادی باشد، اجتماعی به نظر می‌آید؛

۲. تغییر نگرش نسبت به روابط بین‌الملل می‌تواند جامعه جهانی را بیشتر به سوی امنیت

بین‌المللی هدایت کند (جمهری، ۱۳۸۱: ۲۱).

دیدگاه‌های پسامدرن به امنیت ملی

نظریه سازه‌گرایی: سازه‌گرایی مکتبی است که به تحول روابط بین‌الملل براساس تعامل میان سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی اعتقاد دارد و می‌گوید روند تعامل این دو مقوله جامعه بین‌الملل را تشکیل می‌دهد. سازه‌گرایان معتقدند که این تعامل براساس هنجارها و قواعد خاصی قرار دارد. براین‌مبنا هویت و منافع دولت‌ها توسط این هنجارها خلق می‌شود و درحقیقت این مکتب بر ادراک و تغییر تأکید دارد. سازه‌گرایی بر مفاهیمی چون هویت و فرهنگ تأکید بسیار دارد و ازمنظر علمی سازه‌گرایی بیان می‌دارد که امنیت ملی هر دولت با متحول‌شدن هنجارها و فضای بین‌الذهانی نخبگان سیاسی هر دولت دچار تغییر و دگرگونی می‌شود.

سازه‌گرایان باتأکید بر تصورات، نگرش‌ها و باورهایی که ازسوی هنجارهای نوین بر ذهنیت نخبگان سیاسی هر دولت تأثیر می‌گذارد و براین‌اساس منافع و هویت آن شکل می‌گیرد، کنش

آن دولت را هدایت شده از سوی هنجارهای سیاسی بین‌المللی و اجتماعی داخلی می‌دانند (امینی، ۱۳۸۳: ۱۶۲).

مکتب «کپنهاک»^۱: این مکتب یکی از مکاتب برجسته در شاخه مکاتب انتقادی امنیت است. مکتب کپنهاک توانسته افرادی با گرایش‌های مختلف را زیر یک چتر جای دهد. برای مثال، باری بوزان با گرایش «نئورئالیستی» و ویور با گرایش سازه‌گرایی، از نظریه‌پردازان اصلی این مکتبند. امنیتی‌شدن، بخش‌های امنیتی و مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از مفاهیم اصلی این مکتب به‌شمار می‌روند. رهیافت این مکتب به مقوله امنیت، با نگرش حل و فصل معضل است و به موضوعات امنیتی به‌مثابه معضلاتی نگاه می‌شود که قابلیت حل و فصل دارند، از مفروضات این مکتب این است که امنیت مربوط به بقاست و زمانی که چیزی به تهدیدی وجودی تبدیل شود، به موضوعی امنیتی تغییر می‌کند. امنیت اقدامی خودارجاع‌دهنده است. کافی است موضوعی با عنوان امنیتی شناسایی شود. ماهیت تهدیدهای امنیتی به‌گونه‌ای است که با توسل به روش‌ها و شیوه‌های متعارف در سیاست نمی‌توان بر معضلات امنیتی غلبه کرد و نیاز به ابزارهای دیگری است (قیصری، ۱۳۹۳: ۳۹).

ازمنظر اندیشمندان مکتب «کپنهاک» اصولاً امنیت مفهومی عقب‌مانده، توسعه‌نیافته پیچیده و معماگونه است و دلیل آن هم موارد زیر است:

۱. پیچیدگی موضوع: بوزان معتقد است امنیت از برخی دیگر مفاهیم مثل اقتصاد و... کم‌تر پیچیده‌تر است؛
۲. حل‌شدگی امنیت در قدرت در شرایط مواجهه: سلطه تفکر خام «رئالیسم» در محیط قطبی‌شده جنگ سرد را عامل تجدید مفهوم امنیت می‌داند؛
۳. واکنش علیه رئالیسم ملی: معتقدات منتقدان «رئالیسم» افراطی خصوصاً «لیبرالیسم آرمان‌گرا» به‌جای تمرکز بر مفهوم امنیت به مفهوم صلح روی آورده‌اند؛
۴. ماهیت مطالعات راهبردی: مطالعات راهبردی بر مطالعات نظامی و دفاعی تمرکز داشته و باعث شده است که با وجود استفاده بسیار زیاد از مفهوم امنیت هنوز زیر الگوی واقع‌گرایی کشمکش قدرت بر آن مسلط می‌باشد؛

1. Copenhagen School

۵. استفاده ابزاری از امنیت: دولت‌ها در استفاده ابزاری از امنیت منافع بسیاری در این چارچوب داشته‌اند (مرادیان، ۱۳۹۱: ۶۳).

ارکان این نظریه عبارتند از:

۱. سطح تحلیل این نظریه جهانی نیست و بیشتر به تحلیل‌های منطقه‌ای گرایش دارد؛
۲. بخش‌ها و ابعاد امنیت متعدد بوده و صرفاً موضوعات نظامی را شامل نمی‌شود؛
۳. درخصوص امنیتی‌کردن موضوعات نیز دیدگاه ویژه‌ای را دنبال می‌کند و باور به نفی آن دارد.

مفاهیم و مسائل اصلی مطرح‌شده در «مکتب کپنهاک» عبارتند از:

۱. امنیت به‌عنوان مفهومی بین‌ذهنی: بازیگران مختلف درمورد یک مسئله خاص ممکن است واکنش‌های متفاوتی درمورد امنیتی‌بودن آن داشته باشند. بدین ترتیب که موضوعی می‌تواند از نظر بازیگری امنیتی به حساب آید، اما درعین‌حال در نظر بازیگر دیگر می‌تواند امری عادی تلقی شود.

۲. دولت به‌عنوان مرجع امنیت: از آنجاکه بوزان یک نواقع‌گراست محور و مرجع امنیتی را دولت می‌داند.

۳. امنیت موسع در برابر امنیت مضیق: بوزان نگاه تک‌بعدی و مضیق نظریات سنتی راجع به امنیت را به پنج بعد امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه می‌دهد.

۴. غیرامنیتی‌کردن موضوعات: ازجمله مفاهیم کلیدی در مکتب کپنهاک می‌باشد که همان‌طور که اشاره شد، منظور آن است که تلاش شود تا از امنیتی‌کردن بیش‌ازحد موضوعات و گنجاندن آنها در دستورکار امنیتی پرهیز شود.

۵. امنیت ملی به‌عنوان مرکز ثقل امنیت: مکتب کپنهاک امنیت را در سطوح امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی تقسیم می‌نماید، اما اعلام می‌دارد که مرکز ثقل مطالعات امنیتی از دید این مکتب، مطالعه امنیت ملی می‌باشد.

۶. وابستگی متقابل امنیتی: با وجود آنارشی در نظام بین‌الملل دولت‌ها دریافته‌اند که امنیت ملی همه کشورها در ارتباط با تأمین امنیت دیگران خواهد بود، بنابراین سعی دارند که امنیت سیار بازیگران را به رسمیت بشناسند.

۷. معمای امنیت^۱

الف. معمای دفاع - امنیت^۲: امنیت و دفاع در بسیاری از مواقع علیه هم عمل می‌کنند. اول هزینه‌های دفاع باعث کاهش توجه به سایر اهداف امنیت می‌شود؛ مثل هزینه رقابت تسلیحاتی شوروی که باعث کاهش توان اقتصادی آن شد. دوم وجود خودتخریبی است؛ بدین معنا که افزایش توان تسلیحاتی و نظامی در عین حال که می‌تواند تأمین‌کننده امنیت باشد، خطر انفجارات ناشی از آن می‌تواند تهدیدکننده آن نیز باشد. سوم مسئله بازدارندگی اتمی که نمونه بارز معمای دفاع - امنیت است.

ب. معمای قدرت - امنیت^۳: کشمکش قدرت و کشمکش امنیت در سطح واحد می‌تواند به ایجاد معمای قدرت - امنیت منجر شود. کشمکش قدرت به فرصت طلب و یا ستیزه‌جو بودن بازیگران دلالت دارد و کشمکش امنیت به بدبینی و عدم اعتماد میان بازیگران نسبت به هم دلالت دارد. به عقیده «بوزان» قدرت مبتنی بر بازی با حاصل جمع صفر میان بازیگران است؛ یعنی افزایش امنیت یکی منوط به کاهش امنیت دیگری است. انگیزه و اهداف بازیگران نیز باعث ایجاد معمای قدرت - امنیت می‌شود؛ یعنی حفظ وضع موجود یا تغییر وضع موجود باعث ایجاد کشمکش میان بازیگران خواهد شد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۶۰ - ۱۳۶).

مرزبندی مکتب «کپنهاک» و مطالعات سنتی در باب امنیت:

1. The Mystery of security

2. Defense-Security

* نشریه سیاست دفاعی با این گزاره موافق نیست. نخست اینکه منظور اصلی دفاع دستیابی به امنیت است و دوم اینکه دفاع عملی صرفاً نظامی نیست و سوم؛ هم دفاع نظامی و هم دفاع غیرنظامی در هیچ موردی با امنیت در تناقض نیستند.

3. Power-security

هرچند مبانی نظری مکتب «کپنهاک» براساس «رنالیسم ساختارگرا» و «نئورنالیسم» بنا نهاده شده است، اما این مکتب در برخی موضوعات با مطالعات سنتی امنیت دارای مرزبندی است که برخی از مهم‌ترین موارد آن به شرح ذیل است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳).

- دستور کار امنیتی مکتب «کپنهاک» براساس امنیت موسع و چندبعدی است.

- تعریف مکتب کپنهاک از تهدید براساس ساختار اجتماعی تهدید و اهداف مرجع است.

ابعاد امنیت ملی از نگاه مکتب «کپنهاک»

امنیت نظامی: از نظر اندیشمندان مکتب «کپنهاک» موضوع اصلی مطرح در امنیت نظامی دولت‌ها هستند. به عبارت دیگر، دولت تنها بازیگر مشروع در امنیت نظامی است؛ چراکه پس از نظام «وستفالیا»^۱ تمام بازیگران دیگر همچون قبایل و... مشروعیت خود را به دولت واگذار کردند (سادات‌امینی، ۱۳۹۰: ۴۶).

امنیت سیاسی: امنیت سیاسی بعدی از امنیت است که بیش از هر بعد دیگر به ابعاد سه‌گانه دولت ارتباط دارد. به نظر اصحاب مکتب مورد اشاره، امنیت سیاسی درباره ثبات سازمان‌یافته نظم اجتماعی^۲ است و عمدتاً به دو جنبه مشخص تقسیم می‌شود: تهدیدات غیرنظامی همسان نسبت به واحدهای سیاسی از جانب دولت‌های دیگر و امنیت سیاسی به معنای دفاع از موضوعات سیستمی مانند جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌المللی.

بنابر نظر «باری بوزان» امنیت سیاسی گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین بخش امنیت است (سادات‌امینی، ۱۳۹۰: ۴۶).

امنیت اجتماعی: باری بوزان امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو یک گروه خاص اجتماعی تلقی نموده‌اند. به عبارت دیگر، امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی شخص است که هویت او را

۱. پیمان‌نامه‌ای است که پس از پایان جنگ‌های سی ساله مذهبی در اروپا (۱۶۱۸ - ۱۶۴۸) در شهر «سالن» شهرداری شهر «مونستر» میان کشورهای اروپایی در ۱۶۴۸ میلادی بسته شد. در این پیمان تمام کشورهای اروپایی به جز انگلیس و لهستان شرکت داشتند. وستفالی نخستین پیمان صلح چندجانبه پس از رنسانس در اروپاست. این پیمان بعدها منجر به معاهدات بزرگ مشابهی بین کشورها شد که سرانجام به قانون بین‌الملل منتهی شد. پیمان وستفالی، الگو و پایه جامعه ملل و سپس سازمان ملل متحد شد.

2. Social order

تضمین می‌کند. از دیدگاه «بوزان» امنیت اجتماعی عبارت است از: توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی و... در حفظ هستی و هویت خود (Buzan, 2000: 40).

امنیت زیست‌محیطی: از دید «بوزان و ویور» پهنه امنیت زیست‌محیطی به سه شکل تهدید می‌شود:

۱. تهدیداتی مانند زمین‌لرزه و آتشفشان که از جانب محیط زیست طبیعی متوجه تمدن بشری است، اما زاده فعالیت‌های انسان نیست.

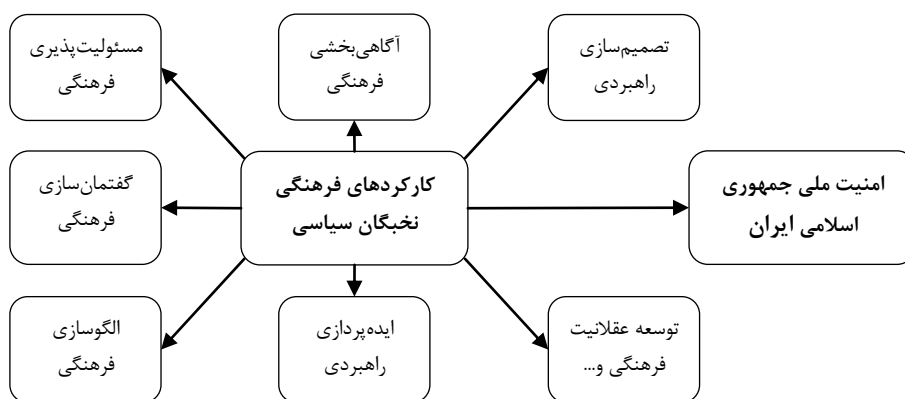
۲. تهدیداتی که فعالیت‌های بشری برای نظام‌ها یا ساختارهای طبیعی کره زمین پیش می‌آورد. درحالی‌که تغییرهای پدیدآمده به‌راستی تهدید وجودی برای بخش‌هایی از تمدن به‌نظر برسد (در سطح جهانی انتشار گازهای گلخانه‌ای و در سطح محلی استخراج، دورریختن و یا ویران کردن منابع).

۳. تهدیدهایی که فعالیت‌های بشری برای نظام‌ها و یا ساختارهای طبیعی کره زمین پیش می‌آورد، درحالی‌که تغییرهای پدیدآمده به‌راستی تهدید وجودی برای بخش‌هایی از تمدن به‌نظر نرسد (تکشدن منابع معدنی) (بوزان، ویور، دووید، ۱۳۹۲: ۱۳۴).

امنیت اقتصادی: در سطح فردی امنیت اقتصادی به‌میزان دسترسی انسان به نیازهای ضروری زیستی (غذا، آب، آموزش و...) مربوط است. در سطوح بالاتر، ایده امنیت اقتصادی با دامنه وسیعی از بحث‌های بسیار سیاسی درباره اشتغال، توزیع درآمد و رفاه درارتباط است (بوزان، ۱۳۸۹: ۲۶۶).

«باری بوزان» از میان نظام‌های موجود، نظام سرمایه‌داری را بهترین نظام درجهت رفع ابهام از امنیت اقتصادی می‌داند؛ زیرا این نظام ادعای ایجاد امنیت مطلق را ندارد و امنیت نسبی آن دارای برخی مزایاست.

مدل مفهومی تحقیق



نمودار ۱. مدل مفهومی

تجزیه و تحلیل داده‌ها (یافته‌ها)

برای بررسی و استخراج کارکردهای فرهنگی نخبگان سیاسی، در گام اول کارکردهای فرهنگی نخبگان سیاسی مورد مذاقه قرار گرفته شد و تعداد ۲۹ کارکرد انتخاب شد. پس از آن، از طریق آزمون تحلیل عاملی که کاربرد آن:

۱. مشخص نمودن متغیرهای ابتدایی تشکیل دهنده اجزای یک عامل؛

۲. ادغام متغیرهای مرتبط با یکدیگر و ایجاد متغیرهای جدید و با تعداد کم‌تر، به طوری که متغیرهای حاصله مفهوم جامع‌تر پدیده مورد مطالعه را دربرگیرد (خلاصه‌سازی و ادغام متغیرهای اولیه و ایجاد عوامل ثانویه)؛ می‌باشد تعداد ۱۱ گویه به‌عنوان سؤالات نهایی پرسشنامه انتخاب شد.

جدول ذیل میزان اهمیت کارکردهای فرهنگی نخبگان سیاسی را در یک نگاه مورد توجه قرار می‌دهد.

جدول ۱. میزان اهمیت کارکردهای فرهنگی نخبگان سیاسی

ردیف	گویه	میزان اهمیت (میانگین)	رتبه	میانگین	انحراف استاندارد
۱	آگاهی بخشی فرهنگی	۸/۴۸	۳	۹	۱/۵۰
۲	مسئولیت پذیری فرهنگی	۸/۳۲	۷	۹	۱/۶۵
۳	کمک به تصمیم سازی راهبردی در حوزه فرهنگ	۸/۴۲	۶	۹	۱/۶
۴	اهتمام به گفتمان سازی فرهنگ ایرانی - اسلامی	۸/۴۶	۴	۹	۱/۶۸
۵	تلاش در جهت ایده پردازی راهبردی فرهنگی	۸/۵۱	۲	۹	۱/۵۹
۶	کمک به الگوسازی فرهنگی	۸/۵۲	۱	۹	۱/۶۰
۷	اهتمام به هدایت و راهبری کلان فرهنگی	۸/۴۶	۴	۹	۱/۵۹
۸	تلاش در جهت نظارت راهبردی در امور فرهنگی	۸/۲۳	۸	۹	۱/۶۷
۹	توسعه عقلانیت فرهنگی	۸/۴۳	۵	۹	۱/۴۷
۱۰	کمک به تعاملات فرهنگی بین المللی و دیپلماسی فرهنگی	۸/۴۳	۵	۹	۱/۴۷
۱۱	کمک به توسعه هویت فرهنگی - دینی	۸/۴۲	۶	۹	۱/۶۵

باتوجه به جدول فوق ملاحظه می شود که سه گویه: کمک به الگوسازی فرهنگی، تلاش در جهت ایده پردازی فرهنگی و آگاهی بخشی فرهنگی، بیشترین میزان اهمیت و چهار گویه: تلاش در جهت نظارت راهبردی در امور فرهنگی، مسئولیت پذیری فرهنگی، کمک به تصمیم سازی راهبردی در حوزه فرهنگی و کمک به توسعه هویت فرهنگی - دینی (مشترکاً) کمترین میزان اهمیت را برای پاسخگویان دارند.

مقایسه بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب کارکردهای فرهنگی نخبگان سیاسی و میزان شکاف هر گویه در وضعیت موجود و مطلوب در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول ۲. مقایسه وضعیت و میزان شکاف

ردیف	گویه	میزان اهمیت وضعیت				شکاف	
		موجود	رتبه	مطلوب	رتبه	میزان شکاف	رتبه
۱	آگاهی بخشی فرهنگی	۷/۵۱	۱	۸/۵۳	۱	-۱/۰۲	۷
۲	مسئولیت پذیری فرهنگی	۷/۲۱	۹	۸/۳۸	۶	-۱/۱۷	۱
۳	کمک به تصمیم سازی راهبردی در حوزه فرهنگ	۷/۴۱	۴	۸/۴۳	۴	-۱/۰۲	۷
۴	اهتمام به گفتمان سازی فرهنگ ایرانی - اسلامی	۷/۲۷	۸	۸/۴۴	۳	-۱/۱۷	۱
۵	تلاش در جهت ایده پردازی راهبردی فرهنگی	۷/۴۷	۲	۸/۵۲	۲	-۱/۰۵	۶
۶	کمک به الگوسازی فرهنگی	۷/۳۰	۷	۸/۴۰	۵	-۱/۱۰	۳
۷	اهتمام به هدایت و راهبری کلان فرهنگی	۷/۴۲	۳	۸/۳۶	۷	-۰/۹۴	۹
۸	تلاش در جهت نظارت راهبردی در امور فرهنگی	۷/۱۷	۱۰	۸/۲۵	۹	-۱/۰۸	۴
۹	توسعه عقلانیت فرهنگی	۷/۳۴	۶	۸/۳۵	۸	-۱/۰۱	۸
۱۰	کمک به تعاملات فرهنگی بین المللی و دیپلماسی فرهنگی	۷/۳۶	۵	۸/۴۳	۴	-۱/۰۷	۵
۱۱	کمک به توسعه هویت فرهنگی - دینی	۷/۲۷	۸	۸/۳۸	۶	-۱/۱۱	۲
شکاف کل		-۱۱/۷۴					

این امر نشان دهنده آن است که هرچه مقدار عدد شکاف نشان داده شده برای هر گویه در جدول فوق کم تر باشد، به معنای آن است که در آن گویه وضعیت موجود به وضعیت مطلوب نزدیک تر است و بالعکس هرچه عدد نشان داده شده برای هر گویه بیشتر باشد، شکاف ایجاد شده بیشتر است، یعنی بین وضعیت موجود و مطلوب، فاصله بیشتری وجود دارد. همان گونه که در جدول فوق ملاحظه می شود، بیشترین شکاف ایجاد شده بین وضعیت موجود و مطلوب مربوط است به چهار گویه: اهتمام به گفتمان سازی فرهنگ ایرانی - اسلامی و مسئولیت پذیری فرهنگی (مشترکاً)، کمک به توسعه هویت فرهنگی - دینی و کمک به الگوسازی فرهنگی و کم ترین شکاف ایجاد شده بین دو وضعیت موجود و مطلوب مربوط است به چهار گویه: اهتمام به هدایت و راهبری کلان فرهنگی، توسعه عقلانیت فرهنگی و کمک به تصمیم سازی راهبردی در حوزه فرهنگ و آگاهی بخشی فرهنگی (مشترکاً).

برای بررسی میانگین رتبه در سه وضعیت کارکرد، موجود و مطلوب از آزمون آماری فریدمن که میانگین رتبه گویه‌ها را با هم مقایسه می‌کند، استفاده شده است. لذا برای بررسی میانگین رتبه گویه‌ها و سطح معنی‌داری در سه وضعیت کارکرد، موجود و مطلوب، فرضیه ذیل تعریف شده است.

H₀: میانگین رتبه گویه‌ها با هم تفاوت معنی‌داری ندارند.

H₁: میانگین رتبه گویه‌ها با هم تفاوت معنی‌داری دارند.

وضعیت	sig
کارکرد	۰/۲۲۳
وضعیت موجود	۰/۲۶۶
وضعیت مطلوب	۰/۴۶۵

باتوجه به جدول فوق درمورد کارکرد، وضعیت موجود و مطلوب می‌توان نتیجه گرفت:

کارکرد sig=.223 >.05

وضعیت موجود Sig=.266 >.05

وضعیت مطلوب Sig=.465 >.05

لذا فرض H₀ پذیرفته شده و فرض H₁ رد می‌شود؛ یعنی میانگین رتبه‌ها تفاوت معنی‌داری با هم ندارند.

برای بررسی میزان اهمیت گویه‌ها، درجه (میزان) اهمیت گویه از ۱ - ۱۰ تعریف شده است.

این پژوهش درجه (میزان) اهمیت ۷ و بالاتر از آن را برای گویه‌ها در نظر گرفته است. لذا چنانچه میانگین گویه‌ها بیشتر از ۷ باشد، به‌عنوان کارکرد فرهنگی نخبگان سیاسی شناخته می‌شوند.

اکنون با استفاده از آزمون تی، بررسی می‌کنیم که آیا میانگین گویه‌ها بالاتر از عدد ۷ است یا نه؟

One-Sample Test						
Test Value = 7						
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
mkarfar	72.465	10	.000	1.43364	1.3896	1.4777
One-Sample Test						
Test Value = 7						
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
mmofar	10.501	10	.000	.33909	.2671	.4110
One-Sample Test						
Test Value = 7						
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
mmtfar	59.309	10	.000	1.40909	1.3562	1.4620

وضعیت	sig
کارکرد	.000
وضعیت موجود	.000
وضعیت مطلوب	.000

نتایج به دست آمده از جدول فوق، باتوجه به اینکه در هر مورد $\text{sig} = 0/05$ است، به معنای آن است که میانگین بالاتر از ۷ و گویه‌های مورد نظر بر امنیت ملی تأثیرگذار می‌باشند. حال برای بررسی تفاوت بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود، آزمون تی زوجی را انجام داده و نتایج باتوجه به جدول به شرح ذیل است.

Paired Samples Test									
		Paired Differences					t	df	Sig. (2-tailed)
		Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean	95% Confidence Interval of the Difference				
					Lower	Upper			
Pair 1	mmtfar - mmofar	1.07000	.07155	.02157	1.02193	1.11807	49.596	10	.000

باتوجه به مقدار $\text{sig} = ۰/۰۵$ و از آنجا که:

فرض صفر: بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود تفاوت معنی داری وجود ندارد؛

فرض مقابل: بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود تفاوت معنی داری وجود دارد؛

لذا فرض صفر رد شده و فرض مقابل پذیرفته می شود؛ یعنی بین وضعیت مطلوب و

وضعیت موجود تفاوت معنی داری وجود دارد.

همچنین باتوجه به فاصله اطمینان به دست آمده (۱/۱۱۸ - ۱/۰۲۱) که عدد صفر را دربر

نمی گیرد، به نتیجه بالا می رسیم.

نتیجه گیری و پیشنهادها

این تحقیق در پی تحلیل جامعه شناختی نقش فرهنگی نخبگان سیاسی در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. از آنجا که نخبگان سیاسی در حوزه فرهنگی دارای کارکردهایی، به منظور تأثیرگذاری بر فضای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (در وضعیت موجود و مطلوب) هستند، لذا در این تحقیق کارکرد فرهنگی نخبگان سیاسی مورد توجه قرار گرفت که در مجموع تعداد ۱۱ کارکرد به عنوان کارکردهای نهایی و تأثیرگذاری بر امنیت ملی کشور مشخص شد. پس از استخراج کارکردهای مورد اشاره پرسشنامه ای با سه محور میزان اهمیت کارکرد، میزان تأثیر کارکرد در وضعیت موجود امنیت ملی و میزان تأثیر کارکرد در وضعیت مطلوب امنیت ملی، تهیه و در اختیار ۸۱ نفر از نخبگان دانشگاهی، سیاسی و اجتماعی قرار داده شد. نتایج حاصله به قرار زیر است:

۱. از بین کارکردهای مورد اشاره سه گویه: کمک به الگوسازی فرهنگی، تلاش در جهت ایده پردازی فرهنگی و آگاهی بخشی فرهنگی، بیشترین میزان اهمیت و چهار گویه: تلاش در جهت نظارت راهبردی در امور فرهنگی، مسئولیت پذیری فرهنگی، کمک به تصمیم سازی راهبردی در حوزه فرهنگی و کمک به توسعه هویت فرهنگی - دینی (مشترکاً) کمترین میزان اهمیت را برای پاسخگویان دارند.

۲. از بین کارکردهای مورد اشاره در وضعیت موجود سه گویه (کارکرد): آگاهی بخشی فرهنگی، تلاش در جهت ایده پردازی راهبردی فرهنگی و اهتمام به هدایت و راهبری کلان

فرهنگی، بیشترین میزان اهمیت و چهار گویه (کارکرد): تلاش در جهت نظارت راهبردی در امور فرهنگی، مسئولیت‌پذیری فرهنگی، اهتمام به گفتمان‌سازی فرهنگ ایرانی - اسلامی و کمک به توسعه هویت فرهنگی - دینی (مشترکاً) کم‌ترین میزان اهمیت را برای پاسخگویان دارند.

۳. از بین کارکردهای مورد اشاره در وضعیت مطلوب سه گویه (کارکرد): آگاهی‌بخشی فرهنگی، تلاش در جهت ایده‌پردازی راهبردی فرهنگی و اهتمام به گفتمان‌سازی فرهنگ ایرانی - اسلامی، بیشترین میزان اهمیت و سه گویه (کارکرد): تلاش در جهت نظارت راهبردی در امور فرهنگی، توسعه عقلانیت فرهنگی و اهتمام به هدایت و راهبری کلان فرهنگی، کم‌ترین میزان اهمیت را برای پاسخگویان دارند.

۴. پس از مشخص‌شدن میزان اهمیت کارکردها در وضعیت موجود و مطلوب، شکاف حاصله که تفاوت بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب است، محاسبه شد که بیشترین شکاف ایجادشده مربوط است به چهار گویه: اهتمام به گفتمان‌سازی فرهنگ ایرانی - اسلامی و مسئولیت‌پذیری فرهنگی (مشترکاً)، کمک به توسعه هویت فرهنگی - دینی و کمک به الگوسازی فرهنگی و کم‌ترین شکاف ایجادی بین دو وضعیت موجود و مطلوب مربوط است به چهار گویه: اهتمام به هدایت و راهبری کلان فرهنگی، توسعه عقلانیت فرهنگی و کمک به تصمیم‌سازی راهبردی در حوزه فرهنگ و آگاهی‌بخشی فرهنگی (مشترکاً).

۵. با استفاده از آزمون تی، میانگین گویه‌ها در سه وضعیت کارکرد، موجود و مطلوب مورد بررسی قرار گرفت و در هر سه مورد میانگین گویه‌ها بالاتر از ۷ (میانگین بالاتر از ۷، به‌عنوان گویه مؤثر بر امنیت ملی در نظر گرفته شده است) بود که این به‌معنای این است که گویه‌های موردنظر در هر سه وضعیت بر امنیت ملی تأثیرگذارند.

۶. با استفاده از آزمون تی زوجی تفاوت بین وضعیت موجود و مطلوب مورد بررسی قرار گرفت که در نهایت باتوجه به اینکه مقدار $\text{sig} = 0$ کم‌تر از $0/5$ است، می‌توان نتیجه گرفت که بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب گویه‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

منابع

فارسی

۱. آرون، ریمون (۱۳۷۰)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۲. آشوری، داریوش (۱۳۵۷)، *تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ*، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا: ۷۱ - ۳۲.
۳. ازغندی، علی‌رضا (۱۳۸۵)، *نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب*، تهران: نشر قومس.
۴. امینی، آرمین (۱۳۸۳)، *تأثیرات عضویت روسیه در شوروی مشترک ناتو - روسیه بر امنیت ملی ج.ا.ا.*، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.
۵. باتامور، تامس برتون (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر شب‌تاب.
۶. باتامور، تی بی. (۱۳۸۱)، *نخبگان و جامعه*، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: شیرازه، چاپ دوم.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، *سیری در نظریه‌های جدید در علوم سیاسی*، تهران: نشر علوم نوین، چاپ اول.
۸. بوزان، باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. بوزان، باری (۱۳۸۹)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
۱۰. بوزان، باری؛ والی، ویور و پاپ، دووید (۱۳۹۲)، *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
۱۱. بهزادی، حمید (۱۳۶۸)، *اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی*، تهران: دهخدا.
۱۲. جلالی، یاسر و صدیق شریف، رحمت‌الله (۱۳۹۰)، *نخبگان قدرت در شهر تهران*، نقش تصمیم‌گیران در مسائل اجتماعی، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، ش ۱۰: ۱۵۷ - ۱۳۳.
۱۳. جمهری، مهدی (۱۳۸۱)، *بررسی حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در افغانستان و اثرات آن بر امنیت ملی ج.ا.ا.*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.

۱۴. جهان‌بزرگی، احمد (۱۳۸۸)، امنیت در نظام سیاسی اسلام؛ اصول و مؤلفه‌ها، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: ۴۰ - ۲۸.
۱۵. سادات‌امینی، میرجعفر (۱۳۹۰)، امنیت ملی ایران در سیاست خارجی سه دولت: هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.
۱۶. سلیمانی، غلامعلی (۱۳۹۲)، تأملی در مفهوم امنیت و مؤلفه‌های آن در اسلام، مجله پاسدار اسلام، ش ۳۸۵: ۵۲ - ۵۱.
۱۷. شریعتمدار جزائری، سیدنورالدین؛ افتخاری، اصغر و لکزایی، نجف (۱۳۸۵)، امنیت در اسلام، مجله علوم سیاسی، ش ۳۴: ۲۰ - ۱۳.
۱۸. شیدائیان، حسین (۱۳۸۸)، امنیت ملی از نگاه امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله). فصلنامه حصول. شماره ۹: ۶۹ - ۵۴.
۱۹. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی: ۱۶۰ - ۱۳۶.
۲۰. غریباق زندی، داود (۱۳۸۹)، مفهوم امنیت ایمانی در قرآن کریم، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳، سال ۱۳: ۲۹ - ۶.
۲۱. فرهادی، روح‌الله (۱۳۸۸)، نخبه‌گرایی قدیم و جدید، فصلنامه رهاورد سیاسی، ش ۲۶: ۶۷ - ۵۳.
۲۲. فلاح رحمت‌آبادی، زهرا (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی بر توسعه‌نیافتگی سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه یزد.
۲۳. قیصری، نورالله (۱۳۹۲)، امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران، الگویی برای تبیین و اجرای سیاست‌های کلان، فصلنامه دانش سیاسی، دوره ۹، ش ۱۷: ۶۲ - ۴۵.
۲۴. کوزر، لوئیس (۱۳۶۸)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۲۵. لکزایی، نجف (۱۳۸۵)، اصول رهیافت امنیتی پیامبر در قرآن کریم، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۳۵: ۲۰۲ - ۱۸۷.
۲۶. مارش، دیوید و استوکر، جری (۱۳۷۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۷. مارندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۸. مرادیان، محسن (۱۳۹۱)، درآمدی بر امنیت زیست‌محیطی، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.

۲۹. نصری، قدیر (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی امنیت ملی: مطالعه موردی ج.ا.ا.، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، ش ۲: ۳۳۵ - ۳۱۱.

۳۰. یزدان‌پناه درو، کیومرث (۱۳۸۱)، بررسی جهانی‌شدن انتخاب و استراتژی ایران (با نگاهی به متغیرهای امنیت ملی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.

انگلیسی

1. Buzan, B. (2000). Security studies: Beyond strategy
2. Mosca, Gaetano (1989). the ruling class (elementi di scienza politica). Translation by:Hannah d.kahn.new York and London. Mc graw-hillbook company,inc
3. Pareto, vilferdo (1969). Allgempine Sociologie . Frankfurt.